

دستاوردهای نظام آموزش امامیه در عصر صفوی

سید محمد موسوی خو*

محمود مهمان نواز**

چکیده

حکومت شیعی صفویه پس از تشکیل در اوایل سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی، جهت تثبیت و تداوم حاکمیت و تبیین مبانی مشروعیت اقتدار خویش، نیازمند یک نظام آموزشی منظم، کارآمد و توانمند بود تا به مدد آن، اهداف سیاسی و مذهبی خود را در گستره جغرافیایی ایران تحقق بخشد. این نظام آموزشی در دولت صفویه با بهره‌گیری از اصول و آموزه‌های اعتقادی شیعی اثنی‌عشری پدید آمد و در طول حیات سیاسی این سلسله، دستاوردهای گوناگون علمی، آموزشی و تمدنی داشته و دوره‌ای درخشان را در روند فرهنگ و تمدن اسلامی رقم زده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی دستاوردهای نظام آموزش امامیه در عصر صفوی است که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع اصلی عصر صفویه انجام شده است. یافته پژوهش نشان داده است که نظام آموزشی مبتنی بر آموزه‌های شیعی امامیه، نقش مؤثری در رشد و گسترش علوم مختلف و نیز ترویج و تثبیت اندیشه شیعی در جامعه و پدیداری وجوه مختلفی از فرهنگ و تمدن اسلامی در این دوره داشته است.

واژگان کلیدی

صفویه، امامیه، نظام آموزشی، دستاوردها.

mmusavikhu@gmail.com

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یاسوج.

mehmannavaz86@gmail.com

**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یاسوج.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۳

طرح مسئله

نظام آموزش امامیه به‌طور کلی برگرفته از نظام آموزشی پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ بود که سابقه آن از نظر تاریخی، به صدر اسلام منتهی می‌شود. در دوره صفویان، آموزش و نظام آموزشی، مورد حمایت همه طبقات اجتماعی بود و همین، عامل شکوفایی آن شد. ظهور تعدادی از سادات، علما و مشایخ تحول بزرگی را در نظام آموزشی عصر صفوی به‌وجود آورد. در این دوره، تحت‌تأثیر رشد همه‌جانبه فرهنگ و تمدن ایرانی، نظام آموزشی پیشرفت‌های قابل‌توجهی را تجربه کرد. در این روزگار، مساجد، مدارس، مکتب‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها، تکایا، خانقاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و برخی از منازل به تشکیل مجالس درسی اقدام نمودند که موجب رونق علم و دانش شد. این نظام آموزشی، موجب پیشرفت فرهنگ و تمدن شیعه، در عصر صفوی شد. نهاد مرجعیت تشیع در نظام آموزش امامیه عصر صفوی بیشترین تأثیرگذاری را داشت. مراجع در طول حکومت صفویان، با نفوذی که در حاکمیت داشتند، به تبیین و تولید علم و توسعه مراکز علمی و تمدنی پرداختند. محور قرار دادن تعالیم اهل بیت ﷺ، حراست از هویت و استقلال تشیع، عدم وابستگی به فرهنگ عامه، توجه به امر پژوهش، صدور اجازه نامه، مسافرت برای کسب علم، عرضه حدیث، دفاع از آموزه‌های شیعی در قالب مناظره، آموزش‌های همگانی در مساجد، آموزش خصوصی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس، عدم محدودیت شرایط سنی و تألیف کتب در زمینه‌های مختلف به‌ویژه علم فقه، از شاخصه‌های نظام آموزش امامیه، در عصر صفوی بود که با وجود آنکه برخی از موارد ذکر شده در دوره‌های پیشین نیز سابقه داشته، در این دوره با رویکردی شیعی و با محوریت تشیع امامیه مورد توجه جدی قرار گرفته و رشد یافتند. نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، دستاوردهای مهمی از قبیل نهادینه کردن مذهب تشیع در جامعه، برگزاری نماز جمعه و جماعت و تألیف کتب در زمینه‌های گوناگون علمی داشته است. این پژوهش درصدد است؛ دستاوردهای این نظام آموزشی را بررسی نماید و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، به پرسش‌های تحقیق، پاسخ دهد. بی‌گمان هر نظام آموزشی دارای نقایص و کمبودهایی است که نظام آموزشی امامیه در دوره صفویه نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما پژوهش حاضر به هدف بررسی دستاوردهای این نظام آموزشی صورت می‌گیرد و به مباحث آسیب‌شناسی نظام آموزشی این دوره ورود نخواهد کرد که این مقوله خود می‌تواند موضوع پژوهشی مجزا باشد.

تاکنون در باب دستاوردهای نظام آموزش امامیه، کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ای مستقل نگاشته نشده است، ولی در لابلای برخی کتب و مقالات، مطالبی در برگیرنده بخشی از دستاوردهای

نظام آموزشی امامیه در دوره صفویه وجود دارد، از جمله؛ موسی‌الرضا بخشی استاد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس» (فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۴۰) به علم حدیث و فرازونشیب‌های این علم به‌عنوان یکی از علوم موردتوجه و تأکید نظام آموزش امامیه در دوران صفویه توجه کرده است. همچنین بخشی استاد و رمضان رضایی (۱۳۹۳) در مقاله «نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی» (فصلنامه ادیان و عرفان، ش ۲) به موضوع مدارس و کارکردهای آنان در گسترش تشیع در دوره صفویه توجه کرده است. در این مقاله پرداختن به مواردی چون مواد درسی رایج در این مدارس و نقش تربیت یافتگان مدارس در ترویج تشیع موردنظر بوده است. دو مورد ذکر شده پوشش‌دهنده بخشی از موضوع تحقیق حاضر می‌باشند، ولی دربرگیرنده همه آن چیزی نیست که مدنظر این پژوهش است. الهام ملک‌زاده و الهام شیرین زبان آذر (۱۳۹۱) در مقاله «وضعیت علم و آموزش در دوره صفویه (با استناد به سفرنامه‌ها)» (فصلنامه تاریخ پژوهی، ش ۵۰) به موضوع آموزش در دوره صفویه پرداخته‌اند. این اثر تأکیدی بر روی نظام آموزشی امامیه و همچنین قوت و یا ضعف آن ندارد و به‌طور کلی مسئله آموزش را از دیدگاه سفرنامه‌ها بررسی می‌نماید. هیچ‌کدام از این تحقیقات مشخصاً به موضوع دستاوردهای نظام آموزشی امامیه در دوره صفویه نپرداخته، بلکه در ضمن کار خود اشاراتی مختصر به این موضوع داشته‌اند. در پژوهش حاضر، دستاوردهای نظام آموزش امامیه در این عصر، به‌طور جامع بررسی خواهد شد.

پیشینه نظام آموزش امامیه

برای تحلیل و درک صحیح از تاریخ تشیع و نقش نظام آموزشی امامیه، آگاهی از سیر تاریخی آموزش در بستر تحولات تاریخی، امری ضروری است. حوزه‌ها، مدارس علمی و آثار و خدماتی که عالمان بزرگ شیعه، از آغاز تأسیس تمدن اسلامی عرضه داشته‌اند، حاکی از فعال بودن نظام آموزشی امامیه است. ائمه علیهم‌السلام، با تأسی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیروی از آموزه‌های قرآن مجید، در مسیر تعلیم دانش، عنایت ویژه‌ای داشتند. که اینک به اختصار، تاریخچه نظام آموزش امامیه بیان می‌شود.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همان روزهای آغازین دعوت، آموزش‌های دینی برای مسلمانان را شروع کردند و با هجرت به مدینه و تأسیس مسجد، آموزش رونق بیشتری یافت. آن حضرت، نظام امامت را به‌عنوان متولیان آموزش پس از خود، معرفی نموده، فرمودند: «همانا من دو چیز بزرگ میان شما می‌گذارم

که قرآن و عترت است».^۱ پس از رحلت پیامبر ﷺ، نظام حکومتی به سمت خلافت رفت، اما ائمه علیهم السلام، نظام آموزشی خاصی را طرح‌ریزی کردند و به هدایت و ارشاد خلق اقدام نمودند. امامان معصوم شیوه‌ای متفاوت با نظام آموزش رسمی به کار بردند و به شیعیان خود نیز تأکید می‌کردند که از نظام آموزشی حکومتی به دلیل انحرافات که داشت، تبعیت نکنند. به‌طور مثال امام موسی کاظم علیه السلام به علی بن سويد سائی می‌فرماید:

ای علی، معارف و اصول دینت را از آنان نگیر؛ زیرا اگر از غیر آنان (اهل بیت) فراگرفتی، دینت را از خائنانی گرفته‌ای که به کتاب خدا، رسول او و امانات او خیانت ورزیده و قرآن را تحریف و تبدیل کرده‌اند.^۲

بیشترین تلاش پیروان امامان نیز آن بود که آموزه‌ها را مستقیماً از طریق ائمه علیهم السلام اخذ نمایند. در زمان غیبت صغری نیز حضرت مهدی علیه السلام از طریق نواب اربعه، به حل و فصل امور شیعیان پرداخت. با آغاز غیبت کبری، امام زمان علیه السلام، شیعیان را به فقه‌های متخصص شیعه، در احادیث ائمه علیهم السلام ارجاع داد.^۳ شیعیان نیز، عالمان دین را به عنوان مرجع شناختند و در امور دینی و سیاسی به آنان مراجعه کردند.^۴ هر زمانی که دانشمندان و علمای شیعی فرصت حضور در مراکز آموزشی را پیدا می‌کردند، (مانند دوره آل‌بویه) نه تنها آن مراکز به مراکز آموزشی برای شیعیان تبدیل می‌شدند، بلکه مسلمانان مذاهب دیگر نیز از دانش و آموزش‌های این علما بی‌نصیب نمی‌ماندند. ابن خلکان از شریف مرتضی و جایگاه بالای علمی وی در عراق که سبب مراجعه علمای شیعه و سنی جهت مرتفع ساختن اشکالات علمی خود به او می‌شد، سخن به میان آورده است.^۵

علما و دانشمندان امامیه قبل از رسمیت یافتن تشیع در ایران (دوره صفویه) تمام تلاش خود را جهت حفظ معارف شیعه (در میان پیروان) و گسترش آن از طریق آموزش به کار بردند و البته در این راه قطعاً به دلیل مغایرت آموزه‌های شیعیان با آموزه‌های رسمی حاکمان، با مشکلاتی مواجه بودند. ساقط شدن خلافت عباسی توسط مغولان (۶۵۶ ق) سبب باز شدن فضا برای گروه‌هایی مانند شیعیان شد که تا آن زمان از سوی خلفای عباسی تحت فشار بودند. شیعیان

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۷۵، «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي».

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۶ - ۱۲۴.

۳. صدوق، کمال دین و تمام نعمه، ج ۲، ص ۲۳۸.

۴. مفید، المقننه، ص ۶۵۷.

۵. ابن خلکان، وفيات الاعيان، ج ۳، ص ۳۱۴.

امامیه در عراق به‌خصوص در حله و کوفه توانستند تشکیلات و نظام آموزشی منظم، با انسجامی خاص ایجاد نمایند و حتی در حکومت غیراسلامی ایلخانان نیز نفوذ کرده، سبب شیعه شدن الجایتو شدند. اوضاع جامعه اسلامی بر اثر آموزش‌ها و تلاش‌های شیعه امامیه به سود شیعیان امامیه در حال تغییر بود؛ به‌گونه‌ای که بر اثر این تلاش‌ها قبل از تشکیل صفویه، دو حکومت هرچند محلی و البته کم دوام شیعی (سربداران و قراقویونلوها) در ایران شکل گرفت.

نظام آموزشی عصر صفوی

نظام آموزشی مجموعه پیچیده‌ای است که در آن، اجزای متشکله و زیرنظام‌ها، به‌گونه‌ای سازمان یافته تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد.^۱ برخی معتقدند که آموزش در اسلام - یعنی کلیه امور مربوط به آموزش که در ادوار مختلف اسلامی در جوامع مسلمانان رایج بوده - یا از اصول، مبادی اسلامی و اندیشه متفکران مسلمان برآمده یا آنکه از دستاوردهای تمدن‌های دیگر اقتباس شده است. به‌نظر می‌رسد حوزه‌های علمیه، هیچ‌گاه خالی از نظم و ترتیب آموزشی نبوده و همواره نوعی نظام طبیعی خودکار مبتنی بر تعالیم اسلامی بر آن حاکم بوده است، بدون اینکه مقررات و آیین‌نامه خاصی برای آن تدوین شود. در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، علوم محدود به مسائل شرعی و مذهبی نبود؛ بلکه سایر رشته‌های علمی نیز مورد تعلیم و تعلم قرار می‌گرفت. این شمول و جامعیت برنامه آموزشی، فرهنگ و تمدن صفویه را در نقطه اوج قرار داد و دانشمندان، در شاخه‌های مختلف علوم مانند فقه، حدیث، فلسفه، ریاضی، نجوم و پزشکی درخشیدند.

اهداف نظام آموزشی

هر نظام آموزشی اهداف غایی، کلی و عینی را دنبال می‌کند. نظام آموزش امامیه در عصر صفوی نیز، برای رسیدن به اهدافش، برنامه‌ریزی می‌کرد. از اهداف غایی در این نظام آموزشی، مسئله ایمان، دیانت و قرب الهی بود و متولیان سعی داشتند طلاب را به این سمت هدایت نمایند. بنابراین، محتوای برخی از کتاب‌هایی که در این عصر نگاشته شده‌اند، مشحون از احادیث قدسیه، سخنان گهربار پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين ﷺ بود.^۲ حکومت صفوی، با تأسیس مدارس مختلف و

۱. فرمی‌ه‌نی فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۲۹۱

۲. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۲۴۴.

آموزش مداوم، زمینه را برای رشد و هدایت افراد مهیا می‌نمود.^۱ به‌همین علت، آموزش مبتنی بر قرآن مجید،^۲ سنت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بود و در مکتب‌خانه‌ها به طلاب قرآن می‌آموختند. علوم شرعی، احادیث نبوی و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، بر مبنای قرآن تفسیر می‌شد.^۳ از اهداف کلی نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، تبلیغ مذهب شیعه امامیه بود که از طریق آموزش انجام می‌گرفت. تبلیغ مذهب تشیع سبب تقویت ایدئولوژی صفویان می‌شد. همچنین نباید از نظر دور داشت که قبل از رسمیت یافتن مذهب امامیه در ایران، این مذهب تقریباً در اقلیت قرار داشت. بنابراین لازمه ترویج این مذهب، داشتن نظام آموزشی قوی و تقویت این نظام بود. ازجمله اقدامات عملی در این زمینه، وجوب برگزاری نماز جمعه در ایران بود. با وجود آنکه برخی از علمای شیعه مخالف برگزاری نماز جمعه در غیاب امام معصوم بودند، بسیاری از فقهای روزگار صفوی، نماز جمعه را در عصر غیبت واجب عینی می‌دانستند و خود به اقامه جمعه و جماعت اقدام می‌کردند.^۴ برای نمونه می‌توان به محقق کرکی،^۵ حسین بن عبدالصمد،^۶ ملا عبدالله شوشتری^۷ و محمدتقی مجلسی^۸ اشاره نمود. از اهداف عینی نظام آموزش امامیه، تربیت نیروهای متخصص در همه زمینه‌های علمی، به‌ویژه در علم فقه و حدیث بود.^۹ محقق کرکی،^{۱۰} شیخ بهائی،^{۱۱} میرداماد^{۱۲} و ملاصدرا^{۱۳} از متفکران نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بودند.

عناصر نظام آموزشی

استاد، شاگرد و متون آموزشی، از عناصر یا ارکان اساسی نظام آموزش امامیه در عصر صفوی بود. استاد،

۱. همان، ص ۴۱۷.
۲. همان، ج ۵، ص ۱۱۱.
۳. پیشین، ص ۳۰۱.
۴. همان، ج ۳، ص ۱۹۶.
۵. پیشین، ص ۲۵۲.
۶. همان، ص ۱۱۶.
۷. همان، ص ۱۹۸.
۸. شاملو، *قصص خاقانی*، ج ۲، ص ۳۸.
۹. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۲، ص ۴۶ - ۴۵.
۱۰. همان، ج ۳، ص ۴۴۱.
۱۱. همان، ج ۵، ص ۸۸.
۱۲. همان، ص ۴۰.
۱۳. ملاصدرا، *اسفار الاربعة*، ج ۱، مقدمه، ص ۸.

اولین عنصر آموزشی است که از ارکان اصلی هر مدرسه یا نظام آموزشی محسوب می‌شود. بنابه استناد شاردن، در این نظام آموزشی، اساتید و معلمانی بودند که وظیفه تدریس را بر عهده داشتند^۱ و مهم‌ترین رکن آموزش بودند.^۲ دومین عنصر، شاگرد یا همان طلبه است. آنان ابتدا در مکتب درس می‌خواندند و پس از مدتی وارد مدرسه می‌شدند.^۳ سومین عنصر نظام آموزشی، متون درسی است. در این نظام آموزشی، علوم مختلفی مانند علوم قرآنی،^۴ فقه،^۵ اصول فقه،^۶ حدیث،^۷ درایه،^۸ رجال،^۹ کلام،^{۱۰} تصوف،^{۱۱} ادبیات،^{۱۲} ریاضی،^{۱۳} هیئت،^{۱۴} فلسفه، منطق،^{۱۵} تاریخ، جغرافی،^{۱۶} پزشکی^{۱۷} و نقاشی^{۱۸} تدریس می‌شد. بنابر گفته کمپفر: «متون آموزشی در درس حساب، هندسه اقلیدس، المجسطی بطلمیوس، در هندسه و مثلثات، اجسام کروی منلائوس و تئودوزیوس و در ریاضی، آثار خواجه نصیرالدین طوسی بود».^{۱۹} صمدیه،^{۲۰} شافیه ابن حاجب،^{۲۱} مطول،^{۲۲} مغنی الیبیب،^{۲۳} کافی،^{۲۴} تهذیب، استبصار،^{۲۵}

۱. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۳۷.
۲. کمپفر، سفرنامه، ص ۱۴۱.
۳. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۳۲.
۴. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۵۳.
۵. همان، ج ۳، ص ۴۴۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۹۵.
۷. همان، ج ۲، ص ۳۶۸.
۸. همان، ص ۷۵.
۹. همان، ج ۳، ص ۳۸۴.
۱۰. همان، ج ۴، ص ۴۰۲.
۱۱. پیشین.
۱۲. همان، ج ۱، ص ۵.
۱۳. همان، ج ۵، ص ۴۲.
۱۴. همان، ص ۱۵.
۱۵. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۱۰۹۹.
۱۶. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۸۴.
۱۷. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۱۱۳۹.
۱۸. کمپفر، سفرنامه، ص ۱۴۱ - ۱۴۰.
۱۹. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۳، ص ۳۶۶.
۲۰. همان، ج ۵، ص ۵۰۰.
۲۱. همان، ج ۳، ص ۱۴۹.
۲۲. همان، ص ۱۵۳.
۲۳. همان، ج ۲، ص ۲۶۵.
۲۴. همان، ج ۵، ص ۵۹.

من لا یحضره الفقیه،^۱ خلاصه الحساب،^۲ تهذیب الاخلاق^۳ و منیه المرید^۴ از دیگر کتاب هایی بودند که در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی تدریس می شد.

مراکز، شیوه ها و منابع مالی نظام آموزشی

در عصر صفوی، نظام آموزش امامیه در مساجد،^۵ مدارس،^۶ مکتب خانه ها،^۷ بیمارستان ها،^۸ قهوه خانه ها،^۹ آستانه ها،^{۱۰} خانقاه ها^{۱۱} (البته در اواخر صفویه خانقاه ها به شدت از سوی روحانیت رسمی شیعه محدود شدند) و کاخ ها^{۱۲} به امر آموزش و پرورش می پرداختند. سماع،^{۱۳} قرائت بر شیخ یا عرض،^{۱۴} املاء،^{۱۵} مباحثه،^{۱۶} مکاتبه،^{۱۷} مناظره،^{۱۸} سؤال،^{۱۹} وجاده^{۲۰} و مناوله^{۲۱} از شیوه های رایج آموزشی در این عصر بود. منابع مالی این نظام آموزشی، اغلب همان وجوهات شرعیه، موقوفات و بخشش ها بود که گاهی امرا و خلفا نیز، به عالمان و دانشمندان، کمک های مالی می کردند و برای

۱. همان، ص ۴۴۷.
۲. همان، ج ۴، ص ۳۳۸.
۳. همان، ج ۳، ص ۲۸۶.
۴. همان، ج ۲، ص ۳۶۸.
۵. همان، ج ۳، ص ۱۹۶ - ۱۹۵.
۶. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۳۷.
۷. همان، ص ۹۳۷.
۸. همان، ص ۵ - ۳.
۹. تاورنیه، سفرنامه، ص ۳۹۹.
۱۰. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۴۵۲.
۱۱. کیانی، تاریخ خانقاه در ایران، ص ۳۷۸ - ۳۷۷.
۱۲. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۳۶.
۱۳. اولناریوس، سفرنامه، ص ۳۰۲.
۱۴. همان، ص ۳۰۲.
۱۵. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۳۰۰ - ۲۹۹.
۱۶. شاردن، سفرنامه، ج ۳، ص ۹۴۲.
۱۷. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۳، ص ۲۵۲.
۱۸. خوانساری، روضات الجنات، ج ۱، ص ۲۵.
۱۹. همان، ص ۶۸.
۲۰. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۵، ص ۲۳۱۲۵.
۲۱. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۳، ص ۴۵۰ - ۴۴۸.

آنان، هدایایی می‌فرستادند،^۱ ولی وقف، مهم‌ترین منبع تأمین این هزینه‌ها بود و هزینه‌های مدارس، مساجد، دارالشفاه، کاروان‌سراها، خانقاه‌ها و سایر مؤسسات عام‌المنفعه را تأمین می‌کرد.^۲ وقف که در دوره صفویه گسترش خاصی یافته بود، از مهم‌ترین منابع مالی نظام آموزشی صفویان بود که شاردن نیز به این امر اشاره کرده است: «هر مدرسه‌ای که بنا می‌شود مواردی از املاک و مستغلات را وقف آن می‌نمایند».^۳

دستاوردهای نظام آموزش امامیه در عصر صفوی

نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، دستاوردهای مهمی در زمینه‌های مختلف داشته است. از مهم‌ترین آنها، تولید علم در زمینه‌های مختلف بود. دستیابی به تولید علم می‌تواند نشانه‌هایی از پیشرفت یک جامعه در سایر امور از جمله سیاست، اقتصاد و ... باشد. چنین به نظر می‌رسد که رونق عصر صفوی در جنبه‌های مختلف، مرهون فعالیت‌های فرهنگی این نظام آموزشی بود که ماحصل تلاش علما در مدارس و حوزه‌های علمیه این روزگار، با حمایت پادشاهان و امیران بود. آنچه در پی می‌آید، بررسی، تجزیه و تحلیل نتایج و دستاوردهای نظام تعلیم و تربیت عصر صفوی است.

الف) تولید علم در زمینه‌های مختلف

مهم‌ترین تولیدات علمی نظام آموزش امامیه در دوره صفوی، علوم قرآنی، فقه و اصول، حدیث، درایه و رجال، فلسفه و منطق، کلام، ادبیات، تصوف و عرفان، طب، نجوم، هیأت و ریاضی بود. علاوه بر این علوم که در مدارس و حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد، علوم دیگری از قبیل تاریخ، سیره، مقتل، مناقب و فضائل اهل بیت (ع)، اخلاق، علم اسرار و گیاه‌شناسی نیز رواج داشت.

۱. علوم قرآنی

علوم قرآنی، اساس و پایه نظام آموزش امامیه در عصر صفوی و از مهم‌ترین موارد آموزشی مکتب‌خانه‌ها بود.^۴

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵.

۲. کمپفر، سفرنامه، ص ۱۴۱.

۳. شاردن، سفرنامه، ج ۵، ص ۴۵.

۴. اولتاریوس، سفرنامه، ۳۰۲ - ۳۰۱.

بنابراین، این علوم، مورد توجه و اهتمام دانشوران شیعی قرار گرفت.^۱ برای نمونه، ملاعمادالدین استرآبادی در فن قرائت قرآن تبحر ویژه‌ای داشت و رساله‌های مفصل و مختصری در این رشته نوشت.^۲ در این نظام آموزشی، کتاب‌های فراوانی در زمینه تفسیر قرآن^۳ و قرائت قرآن^۴ نگاشته شد. مکتب‌خانه‌ها، مدارس و مساجد - به‌عنوان مهم‌ترین مراکز آموزشی - در ابتدای امر، داوطلبان را آماده یادگیری قرآن می‌کردند و اصولاً بی‌معنا بود که کسی از چنین مراکز آموزشی فارغ التحصیل شده و چیزی از قرآن نیاموخته باشد. یادگیری قرآن در آموزش ابتدایی آن دوره پله‌ای برای کسب آموزش‌های مهمتر دینی در مراحل بالاتر آموزشی بود و از دل همین آموزش‌های ابتدایی قرآن، مفسران بزرگی تربیت شدند. شایسته یادآوری است که آموزش در مکاتب و مساجد محدودیت طبقاتی نداشت و این امر سبب می‌شد تا استعدادهایی که در این زمینه وجود داشت، به‌خوبی شکوفا شده و از این‌رو بسیاری از عالمان و مفسران قرآنی عصر صفوی از طبقات فرودست جامعه بودند.

۲. فقه و اصول فقه

از دستاوردهای مهم نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، فقه و اصول بود که در میان علوم اسلامی رونق بیشتری داشت؛ زیرا فقیه در نزد مردم، از جایگاه والاتری نسبت به دیگر عالمان دینی برخوردار بود و برخی از مناصب حکومتی از جمله قضا، نصیب فقیهان می‌شد. شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ بهائی،^۵ ابراهیم قطیفی^۶ و صاحب معالم^۷ از فقهای مهم عصر صفوی بودند که در نظام آموزش امامیه تربیت یافتند و هرکدام از آنان، رساله‌های متعددی در علم فقه و اصول فقه نوشته‌اند. در این دوره سه مکتب فقهی شکل گرفت که آنها را می‌توان مهم‌ترین دستاوردهای نظام آموزشی امامیه در این دوره دانست.

۲ - ۱. مکتب فقهی محقق کرکی: وجه تمایز این مکتب فقهی با دیگر مکاتب، استدلال‌های محکم در هر مبحث فقهی و توجه و اجتهاد در مسائل جدید مورد نیاز حکومت شیعه صفوی مانند حدود اختیارات فقیه، نماز جمعه، خراج، مقاسمه و نظایر آن است.

۱. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۱۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۵۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۵۴ - ۱۵۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۶. همان، ج ۵، ص ۸۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۷.

۲ - ۲. مکتب فقهی محقق اردبیلی: مشخصه این مکتب، اتکای بر فکر و اجتهاد تحلیلی و تدقیقی بدون توجه به آرا و فتاوی پیشینیان بود. اگرچه این مکتب در اساس فقه تغیر و تحولی به وجود نیاورد، دقت‌های خاص و موشکافی‌ها و روش آزاد و شجاعت حقوقی، این مکتب را کاملاً از بقیه مکاتب متمایز ساخته است.^۱

۲ - ۳. مکتب اخباری‌گری: این مکتب در میان علمای شیعه مخالفان فراوانی داشت، اما یکی از مکاتب تأثیرگذار این دوره، و در نظام آموزشی شیعیان امامیه دارای جایگاه خاصی بود. برخی از فقهای اخباری مانند ملامحسن فیض کاشانی دارای مقام ارجمندی بودند و تأثیرات بسزایی در جامعه شیعی داشتند.

وجود این مکاتب فقهی سه گانه و تأثیرات آنها بر علوم اسلامی را باید از دستاوردهای نظام آموزشی امامیه و ناشی از توجهات آموزه‌ها و آموزش‌های این نظام آموزشی دانست. رابطه و تأثیرات این مکاتب فقهی و آموزش امامیه دوسویه بود و باعث رشد و بالندگی هر دو مورد شد.

۳. حدیث، درایه و رجال

علم حدیث در کنار فقه از مواد آموزشی دوره صفویه محسوب می‌شد. در دوره اول حکومت صفویان به دلیل غلبه اصولیون و استیلای جریان عقل‌گرایی، علم حدیث چندان مورد توجه نبود. از دوره شاه عباس اول به بعد، با اوج گرفتن جریان اخباری‌گری و اهمیت یافتن دانش حدیث، محدثان، کوششی مجدد جهت گردآوری اخبار و فراهم آوردن مجامع جدید روایی ارائه کردند. همین انگیزه موجب شده بود تا مجموعه‌های گسترده و پر حجم مانند *السوافی*، *وسائل الشیعه* و *بحارالانوار* فراهم آید. در نیمه دوم حکومت صفویان دو مدرسه مهم و مشهور «مریم بیگم» و «سلطانی» اصفهان به محلی برای تدریس علم حدیث تبدیل شده بود. در وقف‌نامه مدرسه سلطانی، تدریس علم حدیث در رأس علوم بود که مدرس باید تدریس می‌کرد. با وجود آنکه مدرسه سلطانی در اواخر صفویان تأسیس شد، نسخه‌های خطی متعددی از کتب حدیثی موجود است که توسط دانش‌آموختگان این مدرسه کتابت شده است.^۲

شیخ زین‌الدین، نخستین دانشوری بود که علم درایه را از کتاب‌های عامه با شیوه و سبک آنان، به کتاب‌های خاصه انتقال داد و رساله درایه را تألیف کرد. پس از او شاگردش حسین بن عبدالصمد

۱. الشهرستانی، فی مقدمه کتاب جامع المقاصد المحقق الثانی الکرکی، ص ۲.

۲. بخشی استاد و دیگران، علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس، ص ۱۰۰.

و شیخ بهایی، به تألیف درایه پرداختند.^۱ با رشد افکار و اندیشه‌های شیعی، کوشش علماء در زمینه تألیف کتب رجالی بیشتر شد.

۴. فلسفه، منطق و کلام

با ظهور صفویه، سنت عقل‌گرایی به‌تدریج احیا شد و اوج گرفت. در این زمان، مدارس شهرهایی چون شیراز، قزوین و اصفهان، میراث این سنت را به دوش کشیدند. بعد از کم‌رونق شدن حوزه قزوین، شهر اصفهان به‌تدریج به کانون حکمت و فلسفه در جهان اسلام تبدیل شد. فیلسوفان بزرگی در این دوره ظهور کردند و فلسفه اسلامی را به اوج رساندند.^۲ میرداماد،^۳ ملارجبعلی تبریزی،^۴ ملاصدرا^۵ و میرفندرسکی^۶ در فلسفه و منطق صاحب سبک و اندیشه بودند و رساله‌هایی در این زمینه نگاشتند. همچنین متکلمان در روزگار صفوی نیز، آثار و تألیفات گسترده‌ای فراهم آوردند.^۷ با وجود این هرچه بیشتر به اواخر حکومت صفویان نزدیک می‌شویم، علوم عقلی و فلسفه کمتر مورد عنایت حاکمیت قرار می‌گیرد و حتی در اواخر دوره صفویان مخالفت‌های جدی با این علوم شکل گرفت.

در دوره صفویه دو حوزه نجف و اصفهان پرچم‌داران علم کلام و علوم عقلی در جهان اسلام شدند و نماینده شایسته این جریان صدرالمآلهین بود که مکتب حکمت متعالیه را تأسیس کرد. از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که در زمینه علم کلام در دوره صفویه صاحب‌نقش است، می‌توان به مقدس اردبیلی (م. ۹۹۳ ق)، حسن بن مولی عبدالرزاق لاهیجی قمی (م. ۱۱۲۱ ق) و جمال‌الدین خوانساری (م. ۱۱۲۵ ق) اشاره نمود.

۵. علوم غریبه، اسرار و رموز

موضوع علوم غریبه، نیروهای فوق طبیعی مکتوم یا اسرارآمیز است. پس از حمله مغول به ایران به‌دلیل گسترش تصوف، علوم غریبه نیز پایاپای تصوف رشد نمود. این علوم در زمان صفویان

۱. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۳۰۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۶۸.

۳. خامنه‌ای، زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمآلهین، ص ۱۰۸.

۴. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۸۴.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۴۹۹.

۷. همان، ص ۴۳۶ - ۴۳۵.

رواج داشت. ماهیت صوفیانه حکومت صفویه را می‌توان از دلایل گرایش به علوم غریبه دانست؛ زیرا صوفیان اصولاً از طرفداران این علوم بودند. برای نمونه، ملافخرالدین سبزواری از علم جفر، حروف، اعداد و علوم غریبه باخبر بود. از انواع علوم غریبه، علم اسرار حروف و اعداد است.^۱ گروه بسیاری از عالمان خاصه و عامه کتاب‌هایی به پارسی و تازی درباره این علوم تألیف کردند و گروهی هم به استادی در این علوم شناخته شدند.^۲ رشد و گسترش این علوم را می‌توان ناشی از اهتمام خاص نظام آموزشی به این علوم دانست. البته حاکمیت نیز نسبت به گسترش این علوم ظاهراً بی‌میل نبوده است.

۶. مناقب و فضایل اهل بیت (ع)

یکی از طرق تبلیغ شیعه برای نشر عقاید و نفوذ خود، استفاده از مناقب‌خوانان بود. مناقب به معنای فضایل است و مناقب‌خوان، خواننده‌ای بود که بر سر بازارها و خیابان‌ها، از فضائل امام علی (ع) و فرزندانش ستایش می‌کرد. هر کتابی که در مناقب و سیره ائمه (ع) نگاشته می‌شد، مورد حمایت دولتمردان صفویه قرار می‌گرفت. نویسندگان بسیاری در باب مناقب و فضایل اهل بیت (ع) کتاب نوشتند.^۳ برای مثال می‌توان به کتاب *مناقب اهل بیت (ع)* اثر شیخ حسن کرکی^۴ و کتاب فارسی *لوامع الانوار الی معرفة الائمة الاطهار (ع)* اثر ملا علی بن حسن زواری^۵ اشاره نمود. در مجموع در دوره صفویه نوزده کتاب در سیره امامان معصوم (ع) و چهارده کتاب در مناقب ایشان به رشته تحریر درآمده است. در دوره صفویه بسیاری از آثاری که در مناقب اهل بیت (ع) بود، ترجمه شد. این کار در راستای تقویت مشروعیت صفویان و همچنین تقویت ایدئولوژی شیعی آنها در مقابل ایدئولوژی سنی حاکم بر عثمانی بود.

مدایح و مراثی و حمایت از اندیشه قطب، امام، ظل‌الله و مفاهیمی از این دست، زمینه را برای صفویه جهت حاکمیت ایدئولوژی شیعی در برابر تفکر سنی حاکم در مملکت عثمانی فراهم نمود. آنها با حمایت از مورخان، مناقب‌نگاری را ترویج نمودند، تا بدین‌وسیله به حاکمیت خود مشروعیت بخشند، تاجایی که علامه

۱. همان، ج ۴، ص ۸۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۳۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۷۶.

۵. همان، ج ۳، ص ۳۹۶ - ۳۹۵.

مجلسی در اثر مشهور خویش، *بحارالانوار*، بابی را به بیان زمینه‌سازی دولت صفویه برای ظهور مهدی علیه السلام اختصاص می‌دهد و بزرگ‌ترین اثر این دوره را در راستای مشروعیت‌بخشی به این دولت خلق می‌کند.^۱

۷. ادعیه‌نویسی و اخلاق

در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، ادعیه‌نویسی رایج بود و *عین‌الحیاء* اثر محمد مهدی، مشتمل بر ادعیه است. در این کتاب، دعا‌های مشهور که وقت معینی ندارند و همچنین ادعیه‌ای که به نام‌های مخصوصی خوانده شده‌اند؛ گردآوری شده و در ضمن هر دعایی، فضیلت آن آمده است. در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، علما بنابه درخواست پادشاهان، کتاب‌هایی را در زمینه دعا می‌نگاشتند.^۲ درواقع از مواردی که در نظام آموزشی صفویان در مکاتب، مدارس و مساجد پراهمیت بود، ادعیه‌نویسی بوده که مورد استفاده توده مردم از طبقات بالا و فرودست بوده است. البته ممکن است این رویکرد به این دلیل باشد که در علوم مختلف ازجمله پزشکی هنوز متکی به روش‌های سنتی بودند و درمان بسیاری از امراض ناشناخته بود.

در نظام آموزش امامیه در عصر صفوی در زمینه اخلاق نیز کتاب‌هایی تألیف شده است. برای مثال، ابومحمد بن شعبه حرانی *تحف العقول عن آل رسول* را در موعظه و نصیحت نوشته است.^۳

۸. تاریخ، سیره، مقتل و انساب

همچنان‌که تاریخ اسلام با وحی آغاز شد، تاریخ‌نگاری اسلامی هم با ضبط و تدوین سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که ارتباط عمیق و استواری با آن دارد، شروع گردید. بسیاری از نویسندگان، به‌ویژه کسانی که تاریخ اسلام را نگاشته‌اند، با متون دینی آشنایی داشته‌اند. تاریخ‌نویسی در دوره صفوی، براساس اندیشه شیعی بود. بنابر استناد ژان باتیست تاورنیه، نگاه مورخان عصر صفوی، از مبانی تفکر دینی برمی‌خاست و آنان، این زمینه را از تفکر دینی و اندیشه جامعه ایران به ارث برده بودند. مهم‌ترین کتاب تاریخی عصر صفوی، *روضه الصفا* بود.^۴ همچنین ملاعبدالله قزوینی، کتابی به پارسی راجع به رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تألیف کرد و جریان فتنه‌ها و آشوب‌هایی را که در هنگام رحلت آن حضرت به‌وقوع پیوست؛ شرح داد. در همین کتاب، خطبه غدیر را مفصل توضیح

۱. فرهی، *مناقب‌نگاری ائمه علیهم السلام نزد فریقین* (با تکیه بر کتب مناقب قرون دهم و یازدهم هجری)، ص ۳۴.

۲. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۴، ص ۲۷۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. تاورنیه، *سفرنامه*، ص ۵۹۱.

داده و به منازعات اصحاب رسول اکرم ﷺ پس از رحلت آن بزرگوار پرداخته است.^۱ بنابه گفته آدام اولتاریوس، در دوره صفوی در کنار تألیف کتب درباره زندگانی و شهادت ائمه ﷺ و مسائل مذهبی در باب پادشاهان و پهلوانان نیز، کتاب‌هایی تألیف شد.^۲ به‌طور کلی در دوره صفویه تاریخ‌نگاری یکی از درخشان‌ترین ادوار خود را سپری نمود.

۹. گیاه‌شناسی

در عصر صفوی، شیخ علی‌نقی کمره‌ای رساله *حرمة شرب التتن* را نوشت و دوازده دلیل برای حرمت آن ارائه کرد. میرزا عبدالله افندی گفته است: «مطالبی که کمره‌ای به‌عنوان ادله حرمت توتون آورد؛ خالی از اشتباه نیست».^۳ میرزا فیاض، برادر ملا محمدباقر سبزواری، رساله‌ای فارسی به‌طرز احکام خمسه واجب، حرام، مستحب، مباح و مکروه در باب توتون تدوین نمود که در آن به‌منظور رغبت قلیان‌کشان، ظرافت را رعایت کرده است. وی ضمن رعایت این مسئله، مکان و دیگر احوال را در نظر داشته و تاجایی که ممکن بود؛ مراعات حکمت‌ها و مصلحت‌ها را در خصوص احکام مربوط به آن نموده است.^۴ این مورد تنها یکی از مواردی است که نشانه اهمیت گیاه، هم در زندگی روزمره مردم و هم در محافل علمی است. به‌هرروی نیاز مردم به دانستن احکام استفاده یا عدم استفاده از گیاهان سبب شد تا علما در این باره به بحث پرداخته، رساله‌هایی بنویسند و آگاهی‌های خود را نیز در اختیار محصلان قرار دهند. علاوه‌بر مباحث دینی، در مباحث پزشکی نیز اطبا به یادگیری و کشف خواص گیاهان و کاربردهای آنها می‌پرداختند.

ب) ترویج مذهب تشیع

ایرانیان از همان اوایل، نسبت به حاکمیت دولت اموی بیزار بودند و از شیعیان جانب‌داری می‌کردند. از این‌رو در مناطق مختلف ایران، به آنان پناه می‌دادند. برای نمونه، ناحیه خراسان، جمعیت زیادی از شیعیان را در خود جای داده بود و بدین‌سبب دعوت عباسیان از آن ناحیه آغاز شد. در پی شهادت یحیی بن زید، در جوزجان خراسان، مردم نواحی مختلف خراسان، هفت روز

۱. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۳، ص ۲۲۴.

۲. اولتاریوس، *سفرنامه*، ص ۳۰۶.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۷۶ - ۲۷۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۱۱ - ۲۱۰.

عزاداری کردند و همه اولاد ذکور متولد شده را زید و یحیی نام‌گذاری کردند.^۱

مذهب تشیع که از ابتدای ورود اسلام به ایران در اشکال و فرق مختلف در این سرزمین رواج یافت، تا زمان صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع دوازده امامی، رسمیت پیدا نکرد. این مذهب، از آغاز در ایران، نفوذ خود را به‌عنوان یک اقلیت پذیرفته شده داشت. با تأسیس حکومت صفوی، شاه اسماعیل اول تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی ایران اعلام نمود.^۲ وی با حمایت قزلباش‌ها توانست تبریز را به اطاعت وادارد. شاه اسماعیل اول، پس از موفقیتش در این شهر، به استقرار تشیع در کل مملکت ایران همت گماشت. حکومت جدید، نیازمند یک مبنای قانونی پایدار، برای داخل و خارج کشور بود^۳ و به‌همین‌علت از علمای خارج از ایران دعوت نمود. محقق کرکی، از اثرگذارترین علمای عصر صفوی است که با کمک شبکه‌ای از شاگردان فارسی زبان، احکام فقه شیعی را در اقصی نقاط ایران منتشر کرد. وی از شهرهای مختلف ایران بازدید می‌نمود و بر اجرای احکام نظارت می‌کرد. شاه طهماسب اول الزامی بودن دستورات مذهبی کرکی را برای همه حکام ایالات ابلاغ کرد. وی نیز، دستورالعمل آموزشی درمورد مسائل اقتصادی و اجتماعی، برای مناطق ارسال نمود.^۴

سلسله صفوی که حکومتی با آرمان‌های مذهبی تشکیل داد، در ابتدا بر بخش کوچکی از ایران حکم می‌راند؛ اما به‌سرعت، دامنه نفوذ سیاسی و معنوی خود را در نقاط دیگر گسترش داد. در سال ۹۱۴ ق، شاه اسماعیل اول،^۵ عراق عرب را تحت تصرف خود درآورد.^۶ توجه ویژه به بارگاه امامان (ع) و زیارت کربلا و نجف در سرتاسر حکومت صفوی تداوم یافت. حاکمان صفوی، به حمایت از عزاداری و سوگواری پرداختند. در سایه تلاش بی‌وقفه علما به‌ویژه محقق کرکی و حمایت شاه اسماعیل اول، مذهب شیعه به‌سرعت مراحل رشد و استقرار را سپری کرد. به استناد تاورنیه، در ایام محرم در اغلب میدان‌ها و خیابان‌ها، منابری نصب شده بود که همه مردم در این مکان‌ها جمع می‌شدند و به سخنان واعظان گوش فرا می‌دادند.^۷ از منابع عصر صفوی استنباط می‌شود که حکومت صفوی، به ترویج مذهب شیعه و تقویت آن می‌پرداخت. بنابراین، روحانیون

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۸ - ۲۷.

3. Abisaab, *Converting Persia*, P. 27.

۴. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ۴۵۱ - ۴۴۹.

۵. امینی، فتوحات شاهیه، ص ۳۰۰.

۶. ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۹۹۹ - ۹۹۸.

۷. تاورنیه، سفرنامه، ص ۴۱۲.

از ملای دهکده تا مجتهدین طراز اول، با تمام نفوذ و قدرت معنوی در راه هدف مشترک کوشش می‌کردند. ترویج شعائر مذهبی شیعیان توسط حاکمیت یکی از راه‌های تقویت مذهب تشیع بود. «برای این اقدام از سکه، خطبه، اذان و استفاده از آیات قرآنی و حک کردن سخنان معصومین (ع) بر سردر مساجد، مدارس و مکان‌ها بهره» گرفته شد.^۱

ج) گسترش مساجد، حوزه‌های علمیه و مدارس

حوزه‌های علمیه شیعه، در عصر غیبت کبری به صورت تخصصی، نهضت توحیدی انبیاء را ادامه دادند. به همین علت شیعیان، در زمینه تأسیس مدارس علمی، پیشتاز بودند. سیدرضی، نخستین دارالعلم جهان اسلام را ۸۰ سال پیش از نظامیه در بغداد، تأسیس نمود. دولت شیعی آل بویه، اولین مدارس اسلامی^۲ را بنیان گذاشتند. با تأسیس حکومت صفوی در ایران و تعاملی که میان عالمان و حاکمان وجود داشت، توجه به حوزه‌های علمیه بیشتر شد.^۳ در اقصی نقاط قلمرو صفویان و به ویژه در شهرهای بزرگ، حوزه‌های علمیه متعددی احداث گردید. در زمان حکومت صفویان، حوزه علمیه نجف اشرف، رونق خاصی یافت و علمای زیادی در این حوزه پرورش یافتند.^۴ مهم‌ترین عامل در تأسیس و ماندگاری حوزه علمیه در هر مکانی، وجود عالمان بزرگ و برپایی مجالس درس، توسط آنان بود. در عصر صفوی، علما برای تأسیس مساجد و مدارس تلاش می‌کردند. برای نمونه، جد ملا خلف حویزی، مساجد و مدارس بسیاری را بنیان نهاد.^۵ شاهان صفوی، در تأسیس مساجد و مدارس دینی، اهتمام خاص می‌ورزیدند و این امر را برای تثبیت و ترویج شعائر شیعی که مشروعیت حکومت آنها برگرفته از این مذهب بود، ضروری می‌دانستند. در این دوره، در سراسر ایران، مساجد و مدارس متعددی با حمایت پادشاهان، علما و فرمانروایان تأسیس شد که در هیچ دوره تاریخی چنین سابقه‌ای نداشت.^۶

د) وحدت ملی و ترویج زبان فارسی

با تأسیس حکومت صفوی در ایران، ترکان عثمانی در غرب و شیبیک خان پادشاه ترکستان و

۱. ثواقب و مروّتی، اقدامات فرهنگی شاه تهماسب اول در نهادینه سازی تشیع در جامعه، ص ۴۷.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۱۰۱.

۳. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۴۵۱ - ۴۴۹.

۴. غروی، الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف، ص ۱۱۵ - ۱۱۴.

۵. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۴۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۴۱۷.

ماوراءالنهر در شرق، این کشور را شدیداً تهدید کردند. پادشاهان صفوی از آغاز سلطنت برآن شدند که ایران را از خطر استیلای ترکان عثمانی محفوظ دارند، حکومت ملوک الطوائفی را براندازند و وحدت سیاسی ایجاد کنند. با وجود آنکه شاه اسماعیل اول و درباریان صفوی (قزلباشان) به زبان ترکی تکلم می‌کردند، شاه اسماعیل در راستای ایجاد وحدت ملی و شاید جهت متمایز نمودن دربار صفویان از دربار عثمانی، جایگاه زبان فارسی را در دربار ارتقا داد؛ به‌طوری‌که زبان فارسی، زبان رسمی ایران باقی ماند.^۱ صفویان در ایران، وحدت ملی را ایجاد کردند و قبول تعالیم شیعه اثنی‌عشری، از مظاهر این وحدت بود. مذهب شیعه در ایران که به‌صورت مذهب ملی درآمده بود، عامل اصلی وحدت ایرانیان شد و به‌همین علت، وحدت ملی را بر بنیان مستحکمی استوار ساختند. نخستین سلاطین صفوی به این نکته پی بردند که حفظ وحدت ممالک و نواحی بسیار که اقوام مختلف و ملیت‌های متفاوت دارند؛ کار آسانی نیست. بنابراین وحدت ملی را با ترویج مذهب شیعه به‌وجود آوردند. آموزش و پرورش، وسیله مهمی برای تبدیل یک جامعه نامتجانس به جامعه‌ای یگانه و یکپارچه، از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. از این‌رو ظهور دولت‌های ملی با ایجاد نظام‌های آموزش و پرورش همگانی مقارن بود. مدارس، از طریق آموزش زبان رسمی به یکپارچگی اقوام مختلف داخل کشور کمک و تعلق به یک ملیت را در آنها تقویت کردند. از منابع عصر صفوی چنین برمی‌آید که نظام آموزش امامیه در این دوره، از طریق آموزش، هویت ملی و دینی را در ایران احیا نمود که ثمره آن، ترویج زبان فارسی و اتحاد و انسجام ملی بود.

(هـ) برگزاری نماز جمعه و جماعت

از دستاوردهای مهم نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، برگزاری نماز جمعه توسط برخی از علما بود. باوجود مخالفت تعدادی از علمای عصر صفوی،^۲ بعضی از فقهای بزرگ، نماز جمعه را در زمان غیبت واجب می‌دانستند. محقق کرکی عقیده داشت با وجود مجتهد جامع‌الشرایط در زمان غیبت، نماز جمعه واجب است.^۳

گروه دیگر از علما، خواندن نماز جمعه را تخییری می‌دانستند.^۴ به‌علت اختلاف نظر علما،

۱. کمپفر، سفرنامه، ص ۱۶۸.

۲. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۲۶۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۵۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۶.

برگزاری نماز جمعه در دوره صفویه، با دشواری‌هایی همراه بود. بخشی از این دشواری‌ها را مخالفان برگزاری نماز جمعه در عصر غیبت، یعنی قائلین به تحریم به‌وجود آوردند.^۱ محقق کرکی به‌طور ویژه در انتصاب یک امام جماعت در هر شهر و روستا دقت می‌کرد و به آنها دستورالعمل‌های روشنی می‌داد. وی اعلام کرده بود، مردم را آموزش دهند تا به آیین تشیع پایبند شوند.^۲ علاوه بر تلاش‌های کرکی باید به تمایل حکومت به برگزاری این آیین نیز توجه داشت. صفویان بدان سبب که نماز جمعه را محل مناسبی جهت تبلیغات حکومتی در بلاد دورافتاده می‌دانستند، از این امر حمایت کردند.

(و) نگارش و ترجمه کتب به زبان فارسی

بنابر اظهارات اکثریت محققان، مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری عصر طلایی جهان اسلام در قرون سوم و چهارم و پیشرفت‌های گسترده در آن دوران، نهضت ترجمه بود؛ نهضتی که از سوی خلفای عباسی و سپس امرای آل بویه شدیداً حمایت شد. بنابراین یکی از راه‌هایی که نظام‌های آموزشی موفق در پیش گرفتند، ترجمه کتب است. هرچند برخی معتقدند در عصر صفویان، به‌دلیل رویکرد پادشاهان و علما به مسائل دینی و مذهبی و به‌ویژه مذهب تشیع، زبان فارسی دوران افول را طی نموده است، مراجعه به متون این عصر نشان می‌دهد که کتب فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم به زبان فارسی، نگارش و ترجمه شده است. مثلاً کتاب‌های فراوانی در زمینه علوم قرآنی^۳ به فارسی نگاشته شد. ملا عمادالدین استرآبادی در این زمینه مهارت داشت^۴ و از جمله آثارش، *النحفه الشاهیه* در فن قرائت به زبان فارسی بود. رساله *جامع عباسی* شیخ بهائی را می‌توان اولین رساله عملیه فارسی به‌شمار آورد که تمامی ابواب فقه را دربر می‌گرفت. این کتاب به زبان فارسی روان نوشته شد و به‌همین دلیل قرن‌ها یکی از کتاب‌های اصلی فارسی زبانان در فقه بود و بارها در ایران و هند به چاپ رسید.^۵ بسیاری از متون عربی نیز جهت ترویج و تقویت مذهب تشیع به فارسی ترجمه شدند. به‌دلیل آنکه در مدارس و حوزه‌های علمیه، زبان عربی تدریس می‌شد، تقریباً اکثریت طلاب به عربی تسلط داشتند و این امر، کار را برای ترجمه متون عربی تسهیل می‌نمود.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

2. Abisaab, *Converting Persia*, P. 28.

۳. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۳۷۳.

۵. همان، ص ۸۹.

(ز) شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب

با توجه به اینکه خواندن کتاب‌های قطور وقت زیادی را می‌طلبد؛ نویسندگان عصر صفوی کتب بر آن شدند که بخش‌ها و فزاهای برجسته متن را تلخیص کنند. این عمل موجب شد تا شرح، حاشیه و تعلیق بر کتب درسی نوشته شود. به تدریج، حاشیه‌نویسی و پرداختن به شرح، سبب طولانی‌شدن کلام و گستردگی مباحث شد.

در نظام آموزشی امامیه عصر صفوی، شرح‌نویسی بر کتاب‌های مختلف رایج بود. با گذشت زمان بیش از صد شرح، بر بعضی از کتب درسی نگاشته شد.^۱ حاشیه‌نویسی در اصطلاح نسخه‌شناسی، نوشتن مطالبی بر بعضی فقرات یک کتاب در حاشیه آن، به منظور تغییر مطالب، توضیح معانی، تصحیح سهوها یا تعلیل مقصود نویسنده و یا نقد و رد آن است. در این نظام آموزشی، حاشیه‌هایی در زمینه‌های مختلف علوم نگاشته شد.^۲ تعلیق، نوعی خط تودرتو و پیچیده، برگرفته از خط توقیع و رقاع است. در این نظام آموزشی، بر کتاب‌های مختلف تعلیقاتی نگاشته‌اند.^۳

(ح) خوشنویسی، نقاشی و معماری

دوره صفوی از نظر دانش، فرهنگ و تمدن، از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران، اسلام و تشیع به‌شمار می‌رود. جلوه‌های گوناگون این تمدن درخشان، در قالب موضوعات مختلفی چون خوشنویسی، نقاشی و معماری خودنمایی کرد. این عصر، اوج ترقی و تکامل هنر در ایران بود. از عوامل مهم این رونق، هنردوستی پادشاهان و پیروی از هنر درخشان دوره تیموری بود. بیشتر شاهان صفوی به هنر علاقه داشتند. موقعیت اقتصادی نگارگری به‌طور کلی در مراکز شهرستانی ایران صفوی، حاکی از این است که مردمان بیشتری پول خود را در راه هنر، صرف می‌کردند.^۴ شمس الدین عاملی جبلی جبعی، دانشوری خوش خط بود.^۵ به گفته آدام اولتاریوس، برخی افراد از طریق خوشنویسی امرار معاش می‌کردند.^۶

نقاشی‌های اوایل دوره صفوی، مرهون و مدیون کمال‌الدین بهزاد بود و جمع بزرگی از

۱. همان، ج ۳، ص ۳۹۱.

۲. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۳، ص ۳۹۱.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۲۰.

۴. فریه، هنرهای ایران، ص ۲۱۵.

۵. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۲۴۶.

۶. اولتاریوس، سفرنامه، ص ۲۸۱.

هنرمندان مدیون او بودند.^۱ استاد بهزاد، استاد سلطان محمد و آقا میرک، از نقاشان برجسته عصر اول صفوی بودند و در کتابخانه شاهی کار می‌کردند.^۲ شاهان صفوی، راه را بر روی نقاشی و نقاشان گشودند.

در این دوره، کتاب *منطق الطیر* عطار نیشابوری، نسخه‌هایی از داستان یوسف و زلیخای جامی و کتاب *روضه الصفای* میرخواند، با تصاویر متعدد آراسته شد.^۳ شاه طهماسب اول صفوی، علاقه بسیاری به نقاشی داشت. وی، شاگرد سلطان محمد، نقاش مشهور بود^۴ و با بهزاد و آقا میرک نقاش، رابطه‌ای صمیمانه داشت. در نقاشی‌های دوره صفوی شکوه، عظمت و جلال این عصر که متأثر از تحولات بزرگی در عرصه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود، دیده می‌شد. وحدت سیاسی دوره صفویه موجب شد نقاشی‌هایی که در نقاط گوناگون کشور به تصویر کشیده می‌شد، از یکدیگر تأثیر گرفته و از نظر سبک و سیاق به هم نزدیک شوند. شاه عباس اول، از تمام تجارب گذشته استفاده نمود و در پایتخت خود اصفهان، ابنیه‌ای به وجود آورد که باعث افتخار عموم ایرانیان است. از میان ابنیه غیر مذهبی او، کاخ عالی‌قاپو و از میان بناهای مذهبی، مسجد شیخ لطف‌الله از نظر معماری اهمیت فراوان داشت.

زمانی که شاه اسماعیل اول هرات را فتح کرد، هنرمندان مشهور آن دیار را به تبریز منتقل نمود و سبب انتقال مکتب هرات به تبریز شد. روایتی مشهور وجود دارد که شاه اسماعیل در جنگ چالدران، زمانی که احساس کرد شکست نزدیک است، شاه محمود نیشابوری (خطاط) و بهزاد نقاش را در غاری - جهت حفظ جان آنها - پنهان نمود.^۵ این مطلب نشان از ارج نهادن و اهمیت دادن شاه اسماعیل نسبت به هنر می‌باشد. دوران شاه عباس اول، عصر طلایی خوشنویسی است. مهم‌ترین چهره‌های خوشنویسی در این دوره میرعماد قزوینی و علیرضا عباسی می‌باشند. این دو نفر به نزدیک‌ترین اشخاص شاه عباس تبدیل شدند. آثار زیادی از خطاطان دوره صفوی برجای مانده است. در این دوره به قدری فن خوشنویسی رشد کرد که موجب انتقال خط نستعلیق ایرانی به عثمانی شد.

۱. رایس، *هنر اسلامی*، ص ۲۴۴ - ۲۴۳.

۲. ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۱، ص ۱۷۴.

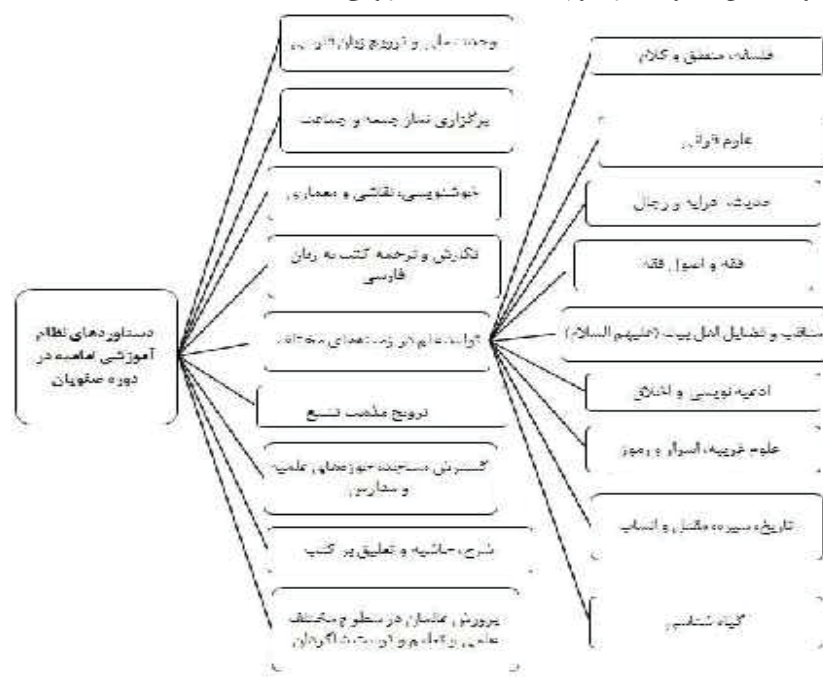
۳. عکاشه، *نگارگری اسلامی*، ص ۹۹ - ۹۸.

۴. ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۱، ص ۱۷۴.

۵. ماری شیمل، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، ص ۱۰۰.

ط) پرورش عالمان در سطوح مختلف علمی و تعلیم و تربیت شاگردان

از دستاوردهای مهم نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، پرورش عالمان در سطوح مختلف علمی و تعلیم و تربیت شاگردان بود که موجب پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف شد و به‌نظر می‌رسد در هیچ دوره تاریخی، نمی‌توان نظیر آن را یافت. علمای دینی در حکومت صفوی از پایگاه اجتماعی برجسته‌ای برخوردار بودند، تا حدی که بسیاری از مناصب در این دوره ایجاد شد که مخصوص علما بود و فقط روحانیون مجاز به تصاحب آنها بودند. در زمان شاه عباس اول، با ظهور چهره‌هایی چون میرداماد،^۱ ملاصدرا،^۲ شیخ بهایی^۳ و میرفندرسکی،^۴ اصفهان مرکز علوم عقلی اسلامی گشت. روحانیون سرشناس و بلندآوازه‌ای پرورش یافتند که نه تنها در زمان حیات خویش مشهور عام و خاص بودند؛ بلکه در دوره‌های بعد نیز، از نظر علمی شهره آفاق گردیدند. در سایه تلاش‌های همین علما بود که مدارس و حوزه‌های علمیه بیشتری در شهرهای معروف کشور تأسیس شد و از نظر علوم مختلف، به غنای فراوانی دست یافتند.



۱. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۴. همان، ص ۴۴۹.

نتیجه

حکومت صفویه به عنوان نخستین حکومت بادوام و مقتدر شیعی در ایران پس از اسلام مدعی ترویج آموزه‌های امامیه بود و در این راستا سعی داشت تا نظام آموزشی امامیه را که همان نظام آموزشی برگرفته از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است، گسترش دهد. البته نمی‌توان مدعی بود هر آنچه که در این دوره به عنوان نظام آموزشی امامیه مطرح شده، همان آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بوده و طبعاً اتفاقاتی خلاف معیارهای نظام آموزشی اصیل امامیه رخ داده است. این امر را می‌توان ناشی از برداشت‌های ناصحیح از مکتب ائمه علیهم‌السلام و همچنین ماهیت صوفیانه حکومت صفویه دانست. با وجود این تلاش‌های حاکمان صفویه و متولیان امر آموزش سبب گردید که مکتب امامیه نسبت به گذشته خود پیشرفت‌های چشمگیری داشته باشد. این پیشرفت‌ها هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی اتفاق افتاد. به‌واقع حوزه جغرافیایی آموزش امامیه به نسبت دوران قبل از صفویه به‌صورت بسیار گسترده‌ای توسعه یافت و تقریباً تمام حوزه فلات ایران را دربر گرفت. همچنین ورود علمای شیعه از جبل عامل، عراق، بحرین و ... به قلمرو صفویان سبب غنای بیشتر نظام آموزشی امامیه در دوره صفویان گردید.

افزون‌براین؛ به احتمال زیاد نظام آموزشی امامیه در دوره صفویه از عناصر و ویژگی‌های نظام‌های آموزشی غیرشیعی قبل از خود تأثیراتی پذیرفته است؛ زیرا بخشی از دستاوردهای نظام آموزشی امامیه در این دوره به نوعی در تکمیل نظام‌های پیش از صفویان رخ داده که آموزش‌های همگانی در مساجد، آموزش خصوصی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس را از این دست می‌توان برشمرد.

نظام آموزش امامیه در عصر صفوی، اهداف، مؤلفه‌ها و عناصر مشخصی داشت. متولیان این نظام آموزشی، با راهبرد مدیریت، هدف‌مندی، نیازسنجی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی، برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کردند. با توجه به نفوذی که علمای عصر صفوی در حاکمیت داشتند، به تبیین و تولید علم و توسعه مراکز آموزشی پرداختند. محور قرار دادن تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام، حراست از هویت و استقلال تشیع، عدم وابستگی به فرهنگ عامه، توجه به امر پژوهش، صدور اجازه نامه، مسافرت برای کسب علم، عرضه حدیث، دفاع از آموزه‌های شیعی در قالب مناظره، آموزش‌های همگانی در مساجد، آموزش خصوصی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس، تولید علم و تألیف در زمینه‌های گوناگون علمی، تأسیس مراکز آموزشی و مساجد، تبلیغ و گسترش مذهب تشیع، تبیین نهاد مرجعیت و کارکردهای آن، نگارش متون فقهی و سایر متون علمی به

زبان فارسی، ترجمه کتب به زبان فارسی، وحدت ملی، شرح و حاشیه و تعلیق بر کتب، نقاشی و خوشنویسی و پرورش علما در سطوح مختلف علمی و برای مناصب مختلف حاکمیتی، عدم محدودیت شرایط سنی و تألیف کتب در زمینه‌های مختلف به‌ویژه علم فقه، از دستاوردهای نظام آموزش امامیه، در عصر صفوی بود.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌اثیر، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن‌خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم، وفیات الاعیان، بیروت، دار الثقافة، بی‌تا.
۴. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، منشورات مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
۵. الشهرستانی، جواد، فی مقدمه کتاب جامع المقاصد المحقق الثانی الکرکی، مؤسسه آل‌البیت للاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۱ - ۱۴۰۸ ق.
۶. امینی، ابراهیم بن میر جلال‌الدین، فتوحات شاهیه، تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷. اولثاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، تهران، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
۸. بخشی استاد، موسی‌الرضا و دیگران، «علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۴۰، ۱۳۹۱.
۹. بخشی استاد، موسی‌الرضا و رمضان رضایی، «نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی»، فصلنامه ادیان و عرفان، شماره ۲، ۱۳۹۳.
۱۰. تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۲.
۱۱. ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۱۲. ثواقب، جهانبخش و فریده مروتی، «اقدامات فرهنگی شاه تهماسب اول در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه»، شیعه‌شناسی، شماره ۵۴، ۱۳۹۵.

۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تصحیح مؤسسه آل‌البیت^ع، قم، مؤسسه آل‌البیت^ع، ۱۴۰۹ق.
۱۴. خامنه‌ای، سید محمد، *زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمآلهین*، تهران، بنیاد صدرا، ۱۳۷۹.
۱۵. خوانساری، محمد باقر بن زین‌العابدین، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، محقق اسدالله اسماعیلیان، قم، دهاقانی، بی‌تا.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. رایس، دیوید تالبوت، *هنر اسلامی*، ترجمه ماه‌ملک بهار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۸. شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
۱۹. شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸.
۲۰. شاملو، ولی قلی بن داود قلی، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۲۲. عکاشه، ثروت، *نگارگری اسلامی*، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۸۰.
۲۳. غروی، سید محمد، *الحوزه العلمیه فی النجف الاشرف*، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۹۴م.
۲۴. فرمیهنی فراهانی، محسن، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران، اسرار دانش، ۱۳۷۸.
۲۵. فرهی، عبدالله، «مناقب‌نگاری ائمه^ع نزد فریقین (با تکیه بر کتب مناقب قرون دهم و یازدهم هجری)»، *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۱۳۹۱، شماره ۲۹.
۲۶. فریه، ر. دبلیو، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۴.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۸. کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
۲۹. کیانی، محسن، *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۹.

- ۳۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، زمستان ۹۷، ش ۳۳
۳۰. ماری شیمل، آن، خوش‌نویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۳۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقننه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. ملک‌زاده، الهام و الهام شیرین زبان آذر، «وضعیت علم و آموزش در دوره صفویه (با استناد به سفرنامه‌ها)»، فصلنامه تاریخ‌پژوهی، شماره ۵۰، ۱۳۹۱.
۳۴. ملاصدرا، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، تصحیح محمدرضا مظفر، بی‌جا، دار المعارف الاسلامیه، ۱۳۸۷.
35. Abisaab, Rula Jurdi, *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid, Empire*, I.B. Tauris & Coltd, New York - London, 2004.